



اسلام ذوالقدرپور

کارشناس مسائل بین الملل

جهان کنونی که با مؤلفه پیدایش ناهنجاری های بیشمار تعریف می شود، سیاست گذاری خارجی و روابط بین الملل را همانند دریایی نا آرام از سیاست ها، تاکتیک ها، انگاره ها و ابزارهای قدرت بر ساخته که هر بازیگری که نظم جهانی را پایدار ببیند، نه تنها ناهمی خود را نمایان کرده، بلکه بقای خویش را به خطر انداخته است. دانش سیاست گذاری خارجی و هنر بازی در هندسه قدرت جهانی، بازیگرانی که بر پایداری نظم کنونی یافشاری دارند را به زانو درآورده است و به سوی فروپاشی رهنمون می سازد. در چنین شرایطی است که قطب بندی ها و مناسبات قدرت جهانی همواره با شکندگی همراه بوده، دولت هایی شکنده از دل همین وضعیت آشوبناک شکل می گیرند و چرخه آشفتنگی را رونق می دهند. دولت شکنده در نظام جهانی کنونی، دولتی است که علاوه بر چالش ها و بحران های داخلی، از فهم تغییر و تحول نظام جهانی ناتوان بوده، قادر به سازگاری با این تغییرات نباشد. یکی از مهم ترین فرآیند های تغییر نظام جهانی را می توان قطب بندی جدیدی دانست که اگر چه تعریفی از جهان غرب ن داده، اما جهان شرق را به خوبی تعریف و مرزهای آن را نمایان ساخته است. خروج نظام جهانی از دوقطبی غرب و شرق بر اساس الگوی جنگ سرد، چرخه ای از سرگردانی نظم جهانی را شکل داد که در نهایت با تحولات یک دهه اخیر به ویژه جنگ سوریه و تهاجم روسیه به اوکراین، نظم نوین و هندسه قدرت جهانی به تعریف جدید خود رسید. بازتعریفی از نظام جهانی که قطب شرقی آن بر محوری که بازیگران اصلی یعنی: ایران، چین و روسیه هستند قرار گرفته و جهان شرق آن بسیار برجسته تر شده است. دوگانه جهان شرق و جهان غرب در مناسبات قدرت جهانی را نمی توان در مرزها بازیگران ثابت، محدود کرد. این جهان دوگانه بر اساس سیاست گذاری خارجی هریک از بازیگران نظام جهانی تعریف شده است و شکلی متفاوت از دیدگاه دیگر بازیگران دارد. این گوناگونی اندیشه و دیدگاه نسبت به مناسبات قدرت است که جهان غرب یا جهان شرق را بر ساخته و اکنون دیدگاه جهانی برای این است که محور جهان شرق بر انگاره و سیاست سه کشور ایران، چین، روسیه استوار شده است.

این اندیشه تقسیم جهان یا هندسه جدید قدرت جهانی را می توان چنین تفسیر کرد: تقسیم جهان به قطب های قدرت بر اساس ژئوپلیتیک قدرت جهانی، پیشینه ای دراز دارد که در یکصد سال اخیر این گروه بندی بر اساس همان الگوی دوقطبی جهان کمونیسم و جهان دموکراسی با عنوان شرق و غرب بوده است، هرچند کمونیسم فروپاشیده و برخی رهبران جهانی مانند جرج بوش با عنوان محور شرارت، صف آراییی جدیدی را در رقابت جهانی قدرت طرح کردند. گروه بندی جهان برای برسازی خود و دیگران با برچسب محور شرارت، جهان شرق و... تنها برای دوست یابی جدید و محدود سازی دشمنان و رقیبان بوده، اما برجسته ترین الگوی این گونه تقسیم جهان را باید پیامد تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ دانست که بار دیگر جهان شرق را در مقابل جهان غرب برسازی کرد. تهاجم روسیه به اوکراین، دوستان روسیه به ویژه ایران و چین را در کنار روسیه به عنوان جهان شرق معرفی و دیگر کشورهایی که رویکرد دوگانه دارند یا همراه و حامی اوکراین بودند را به عنوان جهان آزاد و غرب معرفی می کند، دوگانه ژئوپلیتیک شرق و غرب را نهاده پنه کرد.

اگر چه کشورهای دیگری مانند بلاروس، ونزوئلا، مجارستان، صربستان به ویژه کره شمالی به حمایت از روسیه پرداختند و کره شمالی با اعزام نیروی نظامی خود، به حمایت رسمی از روسیه اقدام کرده، اما در صف آراییی قدرت جهانی، محور جهان شرق جدید بر سه بازیگر اصلی: ایران، چین و روسیه می چرخد. در تعریف جهان شرق و صف آراییی جهان برانشته کنونی، خبری از ایدئولوژی کمونیسم نیست و قرار گرفتن ایران، چین و روسیه در یک قطب نظام جهانی، فراتر از ایدئولوژی های پیشین است و بر ساخته تقابل با انگاره ها و سیاست های امپریالیستی غرب است. در قرن بیست و یکم که اقتصاد سیاسی زیربنای قدرت ژئوپلیتیک است، هندسه قدرت جهان کنونی بر سیاست های اقتصادی به ویژه سلطه بر کریدورها و منابع معدنی مکیاب و ارزشمند نباشده، توان راهبردی ایران، چین و روسیه برای اثرگذاری بر کریدورهای مهم جهان و سلطه این سه کشور بر منابع کمیاب طبیعی سبب قرار گرفتن آنان در یک محور و رهبری آنان در جهان شرق شده است.

تقسیم جهان به دوگانه شرق و غرب بر تقابل و تعارض منافع راهبردی برخی بازیگران غربی جهان با ایران، چین و روسیه بازمی گردد که از برتری آرام این سه کشور بر شرق جهان بسیار نگران و ناراضی هستند. این نگرانی بازیگران غربی و دوستان شان ماهیت ایدئولوژیک سنتی را ندارد، بلکه ماهیت ایدئولوژیک جدید را دارا است که بر اقتصاد، تجارت و فناوری نوین استوار شده است. در سال های اخیر به سبب همراهی و همسویی سیاست گذاران و سیاست خارجی ایران، چین و روسیه در مناسبات قدرت جهانی، این سه کشور به عنوان محور جهان شرق شناخته شده اند و مورد تهدید و تهاجم جهان غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا قرار گرفته اند.

این سه کشور از سال ۲۰۲۲ و تهاجم روسیه به اوکراین نماد جهان شرق جدید قلمداد می شوند. جهان شرق جدید، جلوه ای از صف آراییی نظام جهانی است که سیاست گذاران ایرانی باید به دقت بر مزایا و آسیب های قرارگیری ایران در میان رهبران این جهان، تمرکز کنند و کشور را از آسیب های جهان شرقی ناامیدن ایران دور بدارند، همان گونه که دیگر کشورهای بزرگ منطقه مانند هند، پاکستان و... هر چند از اندیشه عدم تعهد خارج شده اند اما نمی خواهند عضو جهان شرق باشند. قرار گرفتن ایران در رده رهبران جهان شرق جدید، تا زمانی مطلوب خواهد بود که منافع راهبردی ایران به ویژه مزایای اقتصادی و تجاری منطقه ای و جهانی برای ایران داشته باشد و مناسبات قدرت ژئوپلیتیک منطقه ای را نیز به سود ایران تضمین کند.

علی بیگدلی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

نباید اجازه داد

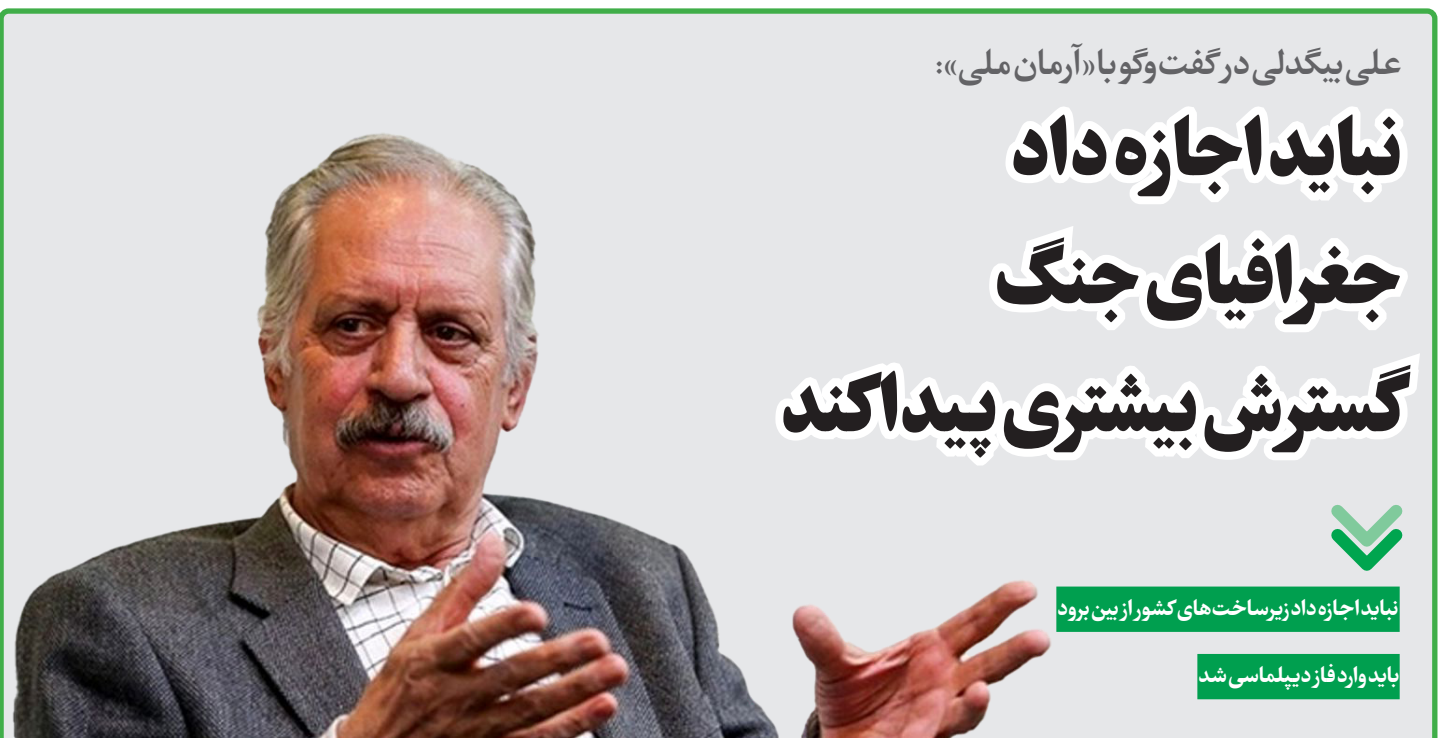
جغرافیای جنگ

گسترش بیشتری پیدا کند



نباید اجازه داد زیرساخت های کشور از بین برود

باید وارد فاز دیپلماسی شد



و در عین حال این موضع منطقی خواهد بود. هرچند آمریکایی ها تلاش می کنند نشان دهند این پنجره بسته نشده و این احتمال وجود دارد که در صورتی که دور ششم مذاکرات برگزار شود ایران و آمریکا در نهایت به یک جمع بندی نهایی دست پیدا کنند. در چنین شرایطی من فکر می کنم اسرائیل تصور می کند با ادامه حمله ایران را به بازنگری در موضوع غنی سازی خواهد رساند که تصویری اشتباه است. اگر چه افزایش تنش و ادامه درگیری ممکن است باعث لطمه به زیرساخت های ما نشود اما طرف مقابل هم بی نصیب نخواهد بود. در عین حال ایران می تواند به فراخور منافع ملی در برخی سیاست ها بازنگری کند و در سیاست های جدید، شرایط را در نظر بگیرد و اجازه ندهد این رویکرد هزینه های جدیدی به کشور تحمیل کند. ادامه وضعیت باعث خواهد شد که با چالش های بیشتر اقتصادی مواجه شویم». در ادامه محاصل این گفت وگو را می خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: در حالی که گمانه زنی ها حکایت از احتمال توافق ایران و آمریکا در دور ششم مذاکرات هسته ای داشت اما در یک اقدام غیرمنتظره اسرائیل به ایران حمله کرد و جمعی از فرماندهان نظامی ایران را به شهادت رساند و به برخی تأسیسات هسته ای و نظامی آسیب رساند. این در حالی است که ایران نیز در واکنش عملیات وعده صادق ۲ را در خاک اسرائیل انجام داد. به نظر می رسد ایران و اسرائیل در صورتی که پای آمریکا به جنگ باز نشود وارد یک جنگ رسمی شده اند. «آرمان ملی» برای تحلیل و ارزیابی شرایط پیچیده کنونی با دکتر علی بیگدلی تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده است. بیگدلی معتقد است: «واقعیت این است که وضعیت جنگی حداقل در کوتاه مدت در کشور ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر واکنش ایران نشان دهنده نگاه ما به مذاکرات خواهد بود. آقای عراقچی عنوان کرده که با توجه به اتفاقات اخیر دیگر مذاکره کردن با آمریکا منتفی شده و احتمال دارد از سوی دیگر مسئولان هم چنین موضعی اتخاذ شود

لطمه وارد شود که نباید اجازه دهیم این اتفاق رخ دهد. ضمن اینکه نگرانی در بین مردم بیشتر شده و مردم در خوف و هراس قرار دارند. من بیشتر نگران این موضوع هستم که زیرساخت های کشور از بین برود که ساخت دوباره آنها برای ما هزینه های زیادی خواهد داشت. ما باید این واقعیت را بپذیریم که می توان را حل حلی معطوف به منافع و قدرت ملی یافت و آن را دنبال کرد.

آیا ترامپ و اسرائیل از ابتدا و قبل از آغاز مذاکرات به دنبال حمله به ایران بودند و یا در بین مذاکرات و در شرایطی که مذاکرات به نتیجه نمی رسید تغییر استراتژی دادند و به سمت گزینه نظامی حرکت کردند؟

از دور پنجم مذاکرات به بعد بود که مشخص شد استراتژی ترامپ نسبت به تهران تغییر کرده است. تناقض هایی که در حرف های ترامپ و اعضای کابینه اش وجود داشت نوعی از دیپلماسی نوین است که طرف مقابل را دچار سردرگمی کند و این اتفاق نیز رخ داد. در واقع همه این تناقضات و اظهارات متفاوتی که در این مدت از سوی مقامات آمریکایی مطرح می شد گوشه ای از دیپلماسی نوین است که باعث شود طرف مقابل قدرت تصمیم گیری و تحلیل خود را دست بدهد. در واقع این شرایط یک بازی سیاسی بود که ما زیاد به آن توجه کردیم که این مسأله مهمی بود. همه این شرایط دست به دست هم داد تا امروز شرایط پیچیده و حاد شده است. ما باید به این مسائل توجه کنیم که چند سال دیگر طول خواهد کشید که ما بتوانیم یک سردار حاجی زاده دیگر را تربیت کنیم؟ به هر حال این از جمله موضوعاتی است که در سال های آینده برای ما حائز اهمیت خواهد بود.

در شرایط کنونی کشور به صورت رسمی در وضعیت جنگی قرار گرفته است. این وضعیت تا چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد و مذاکرات به چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؟

واقعیت این است که وضعیت جنگی حداقل در کوتاه مدت در کشور ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر واکنش ایران نشان دهنده نگاه ما به مذاکرات خواهد بود. آقای عراقچی عنوان کرده که با توجه به اتفاقات اخیر دیگر مذاکره کردن با آمریکا منتفی شده و احتمال دارد از سوی دیگر مسئولان هم چنین موضعی اتخاذ شود و در عین حال این موضع منطقی خواهد بود. هرچند آمریکایی ها تلاش می کنند نشان دهند این پنجره بسته نشده و این احتمال وجود دارد که در صورتی که دور ششم مذاکرات برگزار شود ایران و آمریکا در نهایت به یک جمع بندی نهایی دست پیدا کنند.

در چنین شرایطی من فکر می کنم اسرائیل تصور می کند با ادامه حمله ایران را به بازنگری در موضوع غنی سازی خواهد رساند که تصویری اشتباه است. اگر چه افزایش تنش و ادامه درگیری ممکن است باعث لطمه به زیرساخت های ما نشود اما طرف مقابل هم بی نصیب نخواهد بود. در عین حال ایران می تواند به فراخور منافع ملی در برخی سیاست ها بازنگری

کند و در سیاست های جدید، شرایط را در نظر بگیرد و اجازه ندهد این رویکرد هزینه های جدیدی به کشور تحمیل کند. ادامه وضعیت باعث خواهد شد که با چالش های بیشتر اقتصادی مواجه شویم.

باید به این مسائل توجه کنیم که چند سال

دیگر طول خواهد کشید که ما بتوانیم یک سردار حاجی زاده دیگر را تربیت کنیم؟ به هر حال این از جمله موضوعاتی است که در سال های آینده برای ما حائز اهمیت خواهد بود

به چه میزان این احتمال وجود دارد که در شرایط کنونی آمریکا وارد جنگ با ایران شود؟

آمریکا تصمیمی برای جنگ با ایران ندارد و بهتر است که چنین اتفاقی نیز رخ ندهد. برخی در ایران عنوان می کنند که باید پایگاه های آمریکا را در منطقه مورد هدف قرار داد. این در حالی است که این کار بسیار پرمنافشه خواهد بود و اگر پای آمریکا به جنگ باز شود دیگر چنین جنگی قابل کنترل نیست. در شرایط کنونی جنگ حوزه و جغرافیای محدودی دارد و می توان تا حدودی آن را کنترل کرد. اما اگر پای آمریکا به جنگ باز شود شرایط تغییر خواهد کرد و دیگر نمی توان وضعیت را کنترل کرد و ممکن است به ضرر نظام تمام شود. من امیدوارم جلو باز شدن پای آمریکا به درگیری سد شود و به نظر می رسد مسئولان تصمیم گیر کشور نیز به این نتیجه رسیده اند که نباید پای آمریکا به جنگ باز شود. بدون تردید این وضعیت می تواند خسارت های پیش بینی نشده ای به دنبال داشته باشد.

فضای جنگی ممکن است تا چه مدتی در کشور ادامه داشته باشد؟

این وضعیت ممکن است برای چند هفته و یا حتی یک ماه و یا بیشتر نیز ادامه داشته باشد. اسرائیل از یک طرف عنوان می کند یک هفته و از سوی دیگر آن را دو هفته اعلام می کند. از سوی دیگر عنوان می شود اسرائیل قصد دارد تا رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده به این جنگ ادامه بدهد. در این زمینه ما به وسیله کشورهایی مانند چین و روسیه که روابط نزدیکی به اسرائیل دارند می توانیم شرایط را به سمتی ببریم که خسارت اسرائیل متوقف شود هرچند که بدون کمک آنها هم می توانیم از موجودیت خود دفاع کنیم. می توان روش هایی را به کار برد که دیگر هیچ کشوری به خود جرأت تعدی به ما نداشته.

عضو کمیسیون امنیت ملی:

با توجه به حمایت آمریکا از حمله اخیر دیگر مذاکرات معنایی ندارد

ان شاء... به موقع ترمیم و بازسازی خواهند شد. همان طور که گفته شده بود جواب جنایت رژیم صهیونیستی جنایتکار با حمایت ترامپ بدون پاسخ نخواهد ماند، شب گذشته پاسخ دندان شکنی به آمریکا و رژیم اسرائیل داده شد.

وی درباره این که تاثیر اقدام رژیم صهیونیستی بر مذاکرات بیان کرد: فکر نمی کنم دیگر مذاکراتی در کار باشد، زیرا رژیم اسرائیل عمداً این اقدام را انجام داد تا ۲۴ ساعت قبل از مذاکرات، این گفت وگوها را به نوعی به تعطیلی بکشاند اما چون این اقدام با اجازه و حمایت اربایش انجام شده است، مذاکرات ما در زمینه مسائل هسته ای با تیم آمریکا به صورت غیرمستقیم دیگر معنایی نخواهد داشت.

برای ما اولویت اکنون گرفتن انتقام از کسانی است که اسرائیل حمایت و پشتیبانی کردند و بهترین یادگاران و عزیزان ملت را به شهادت رساندند.



نماینده سلماس در مجلس شورای اسلامی در خصوص میزان خسارت وارده به کشورمان عنوان کرد: تعدادی از اماکن عمومی مردم در نقاط مختلف شهر تهران و برخی مراکز نظامی ما در استان های مختلف آسیب جزئی دیده اند که قطعا

گزارش

تحلیل ابعاد تجاوز رژیم صهیونیستی

لاسجودی: تأثیرگذاری نیروهای مقاومت در منطقه باعث جنون اسرائیل شد

بامداد روز جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در پی حمله تروریستی رژیم صهیونی به تهران و تعدادی از شهرهای کشور، شماری از فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان و مردم غیرنظامی به شهادت رسیدند. برخی دولت های اروپایی طی پیام ها و بیانیه های جداگانه، بدون محکوم کردن این اقدام تجاوزکارانه، صرفاً طرفین را به خویشنداری فراخوانده اند. در عین حال جمهوری اسلامی ایران اعلام می کند که قطعنامه سیاسی شورای حکام، که هفته گذشته با هدایت سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان و با حمایت ایالات متحده به تصویب رسید، زمینه ساز این اقدام تجاوزکارانه بوده است. جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این حمله موشکی رژیم صهیونیستی؛ در عملیات وعده صادق ۲ که رمز یا علی ابن ابیطالب آغاز شد؛ با شلیک ده ها فروند موشک به سمت سرزمین های اشغالی، به حمله وخشیانه رژیم صهیونیستی پاسخ داد. پس از اجرای این عملیات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای اعلام کرد: گزارش های میدانی، تصاویر ماهواره ای و شهود اطلاعاتی حاکی از اصابت مؤثر ده ها موشک بالستیک به اهداف راهبردی است. دشمن به رغم ادعای رهگیری، موفق به مقابله با امواج حملات موشکی جمهوری اسلامی ایران نشد. رسانه های رژیم صهیونیستی از آغاز موج پنجم حملات موشکی ایران خبر دادند و اعلام کردند که پنجمین فوج از موشک های ایرانی تمام نقاط اسرائیل را هدف قرار داده است. رسانه های رژیم صهیونیستی از اصابت پنجمین موج موشک های ایرانی به اهدافی در طبریا، جولان اشغالی و الجلیل پایین، خبر دادند. در ادامه این گزارش موزی به بررسی اخبار مختلف درگیری نظامی میان ایران و رژیم صهیونیستی از زاویه نگاه و تحلیل های کارشناسان داخلی و خارجی که با ایرنا مصاحبه اختصاصی کرده اند؛ خواهیم پرداخت.

هشدار درباره جنگ روایت ها

نجاح محمد علی، کارشناس برجسته مسائل بین الملل مستقر در لندن، نسبت به ابعاد پیچیده جنگ نرم و روایت سازی دشمنان هشدار داد و تأکید کرد که هدف اصلی عملیات رسانه ای، تضعیف جبهه مقاومت و القای بی نتیجه بودن ایستادگی ملت هاست. این تحلیلگر مسائل منطقه ای در گفت وگو با اشاره به اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی گفت: «در کنار حملات نظامی، جبهه ای خاموش اما خطرناک تر نیز فعال است؛ جبهه ای که در آن گلوله ای شلیک نمی شود، اما ذهن ها را زده ها را هدف گرفته است. این جبهه، جبهه عملیات روانی و جنگ روایت هاست که با برنامه ریزی دشمنان اسلام و انقلاب طراحی شده است». وی افزود: «امروز ما در میدان روایت با بمبارانی از دروغ، تحریف و القای شکست مواجهیم. رسانه های دشمن با ژست دلسوزی و منطق ظاهر می شوند، اما هدف آنها تضعیف اعتماد مردم و شکستن ستون های اعتقادی است». نجاح محمد علی با اشاره به تلاش هدفمند رسانه های بیگانه فارسی زبان تصریح کرد: «از لحظه نخست حمله، تبلیغات منفی برای القای انزوا ی ایران، خستگی مردم، بی فایده بودن حمایت از فلسطین و ناتوانی کشور در پاسخگویی آغاز شد. این ادعاها واقعی نیست، اما اگر پاسخ داده نشوند، به باور عمومی تبدیل می شوند».

اشتباه بزرگ اسرائیل

مایس قربانف، تحلیلگر روس و کارشناس مسائل سیاسی و خاورمیانه با اشاره به پیام تلوویزیونی رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه مجازات رژیم صهیونی اظهار کرد: طبق وعد های که داده شد، ایران به رژیم صهیونیستی پاسخ داد و من بر این باور هستم که ایران در این مصاف قطعاً پیروز خواهد شد. این تحلیلگر روس در ادامه با محکوم کردن اقدام رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن دانشمندان هسته ای و حمله به تأسیسات اتمی کشورمان گفت: اسرائیل، در حالی به تأسیسات و متخصصان ایرانی که در عرصه انرژی صلح آمیز هسته ای فعال هستند، حمله کرد که این رژیم صهیونیستی مجهز به سلاح هسته ای و جهان چشمان خود را بر روی این واقعیت بسته است.

مقاومت و جنون اسرائیل

یک کارشناس مسائل بین الملل درباره اهداف و چرایی حمله رژیم صهیونیستی به ایران و به شهادت رساندن تعدادی از فرماندهان نظامی و غیرنظامیان، به ابعاد مختلف این جنایت پرداخت و گفت: در پی تجاوز و وحشیانه رژیم صهیونیستی به مناطق مختلف کشور که برخی چهره های نظامی، دانشمندان هسته ای، مراکز مهم و همچنین مردم عادی را هدف قرار داد، به نظر می رسد آنچه این رژیم را به چنین جنونیی واداشته، تأثیرگذاری نیروهای مقاومت در منطقه است. «حسن لاسجودی» گفت: رژیم صهیونیستی تلاش دارد به هر شکل ممکن از تحکرات مقاومت در منطقه جلوگیری کرده و همچنان که در یک نیم سال گذشته نیز در پی آن بوده، این نیروها را به زعم خود از بین ببرد. وی افزود: هدف رژیم صهیونیستی از این عملیات، شکست مقاومت و حذف موانع پیش روی خود است؛ اما به دلیل ناکامی در دستیابی به پیروزی های راهبردی مانند آزادی اسرا یا نابودی کامل نیروهای مقاومت، دست به اقدامات جنون آمیز زده و شخصیت های مختلف را هدف قرار می دهد. لاسجودی تأکید کرد: واکنش جمهوری اسلامی ایران در برابر این جنایت بسیار تعیین کننده خواهد بود.